

سال بیست و چهارم / شماره ۵۴۷۸



بخش فرهنگی – «طفلی به نام شادی» عنوان تازه‌ترین اثر

محمدرضا شفیعی کدکنی است. این اثر دربردارنده پنج دفتر شعری از اوست که پس از ۲۳سال در دسترس علاقه‌مندان و مخاطبان آثار او قرار گرفته است. «طفلی به نام شادی»، تازه‌ترین اثر محمدرضا شفیعی کدکنی، در حوزه شعر است که به تازگی از سوی نشر سخن در دسترس علاقه‌مندان با شعر و آثار او قرار داده شده است.

کتاب حاضر شامل پنج دفتر شعری شفیعی کدکنی با عناوین «زیر همین آسمان و روی همین خاک»، «هنگامه شکفتن و گفتن»، «از همیشه تا جاودان»، «شیپور اطلسی‌ها» و «در شب سردی که سردی نداشت» است. عنوان کتاب از نام یکی از سروده‌های شفیعی کدکنی انتخاب شده است.

طفلی به نام شادی، دیری است گم شده است

با چشم‌های روشن برق

با گیسویی بلند به بالای آرزو

هر کس ازو نشانی دارد ما را کند خبر

این هم نشان ما:

یک سو خلیج فارس

سوی دگر خزر

این اولین مجموعه شعری شفیعی کدکنی است که پس از ۲۲ سال منتشر شده است. علاقه‌مندان به آثار شفیعی کدکنی در این سال‌ها عمدتاً مخاطب آثار او در حوزه تصحیح و شرح آثار کلاسیک ادبی مانند« تذکرهٔ لالولیا» و «این کیمیای هستی» بوده‌اند.

دفتر «طفلی به نام شادی»، مجموعه اشعار ۱۳۷۶ به بعد شفیعی کدکنی است. قبلاً نشر سخن دو مجموعه «پینه‌ای برای صداها» (هفت دفتر شعر منتشر در سال‌های پیش از انقلاب) و «هزار ره دوم آهوی کوهی» (اشعار ۵۶ تا ۷۶) را از او منتشر کرده بود.

در مقدمه‌ای از این کتاب می‌خوانیم: نخستین شعر مجموعه «زمزمه‌ها» در کتاب «پینه‌ای برای صداها» محصول ۱۳۳۷ است. همان که امروز در میان جوانان شهرت بسیار یافته است:

تمام آرزوهای منی‌کاش،

یکی از آرزوهای تو باشم

و آخرین شعرهایی که در دین مجموعه تاریخ دارند، مربوط به همین چند سال اخیرند. بعضی از این شعرها محل سروده شدن‌شان در زیر شعر تعیین شده است؛ مثلاً آکسفورد یا پرینستون یا لیدن یا توکیو. ولی بسیاری از آنها محل سروده شدن ندارند و احتمالاً مربوط به همان سرزمین‌ها است. فضای شعر و اقلیم طبیعی و درخت‌ها و گل‌هایش گواه است برین امر.

●●●●●

نقش کیومرث پوراحمد

در «گل به خودی» چیست؟

بخش فرهنگی – «گل به خودی» به کارگردانی احمد تجری و تهیه‌کنندگی علی قائم مقامی بعنوان اولین فیلم سینمایی ژانر کودک و نوجوان در سال جدید بزودی ساخته می شود.

فیلمنامه این اثر نوشته مشترک احمد تجری و لاله قهرمانی است وفضایل زبال ، عروسکی و موزیکال دارد. داستان این فیلم قصه آمال و آرزوهای چند کودک است که در پرورشگاه زندگی می کنند و به کمک چند عروسک وارد ماجراهایی فانتزی و پر استرس می شوند. کیومرث پور احمد کارگردان نام آشنای سینما بعنوان مشاور کارگردان در این پروژه سینمایی حضور دارد. «گل به خودی» هم اکنون در مرحله پیش تولید و انتخاب بازیگر قرار دارد و بزودی در تهران کلید می خورد.

●●●●●

سریالی که جایگزین «بچه مهندس» می شود

بخش فرهنگی – «سامو بندری» بعد از سریال «بچه مهندس» به شبکه دو می آید و بعد از آن «شاه‌رگ» به آنتن خواهد رسید. این شب‌ها برخی از سریال‌های ماه رمضانی هنوز روی آنتن مانده‌اند؛ سریالی مثل «بچه مهندس» که به روزهای پایانی پخش رسیده و «سرایان» که هنوز آنتن شبکه سه را غرق کرده است، «پدر پسری» هم کامکان روی آنتن شبکه پنج سیما است.

در برخی از رسانه‌ها به جایگزین «بچه مهندس» اشاره کردند که نام فصل سوم «از سرنوشته» هم به میان آمد. تهیه‌کننده این مجموعه تلویزیونی، گفت که احتمال دارد این سریال در ایام پاییز ادامه داشته باشد و البته که شبکه در خصوص پخش و زمان کنداکتور تصمیم می‌گیرد. بنابر پیگیری‌هایی که شده بعد از پایان فصل سوم «بچه مهندس» در روزهای آتی، سریال «سامو بندری» به آنتن خواهد رسید. «سامو بندری» به تهیه‌کنندگی سیدعلیرضا سبтаاحمدی و کارگردانی ابراهیم فروزش در بندر بوشهر، تصویربرداری و به تولید رسیده است. «سامو بندری» متعلق به فضای بوشهر است و قصه آن با فضای جنوب همخوانی دارد و بر همین اساس نیز جمعی از افراد حاضر در مجموعه از بازیگران خوب بوشهری‌اند. حسن پورشریازی، مانده طهماسبی، علی اوسینود، مهدی فقیه، آریاوا رستمی، کورش زنگویی، ناهید ثناگو، مرتضی نوری فیروزی، لیلادلمان، عباس باکو، خلیل چراغ‌زاده، محمد گنتوی‌زاده، اسماعیل عاشوری، حدیث سیرجانیان، سیدرضا حسینی، مهدی عبیدی، الکارکرم محمودنیا، یوسف فهیمه، سید احمد صدقات‌بخشچی و … در این سریال نقش‌آفرینی کرده‌اند.

احتمالاً بعد از این سریال، شبکه دو، «شاه‌رگ» را پخش خواهد کرد. سریالی متفاوت که فضای دهه ۱۳۶۰ و اقدامات مناقفین را روایت می‌کند. ساخته سیدجلال اشکندری جزو گزینه‌های رضایی هم‌گانه‌زنی می‌شد اما «بچه مهندس» روی آنتن رفت. در

این سریال ۳۰ قسمت، بازیگرانی چون نیما رقیسی، عباس غزالی، مهدی سلوکی، سربوس گرجستانی، آزاده زارعی، امید روحانی، شادی کرم‌رودی، افسانه کمالی، عطا عمرانی، مژگان اخلاقی، خلیمه سعیدی و فریده سپاهمنصور، سیدجواد هاشمی، سپیده خدآوردی نقش‌آفرینی می‌کنند.

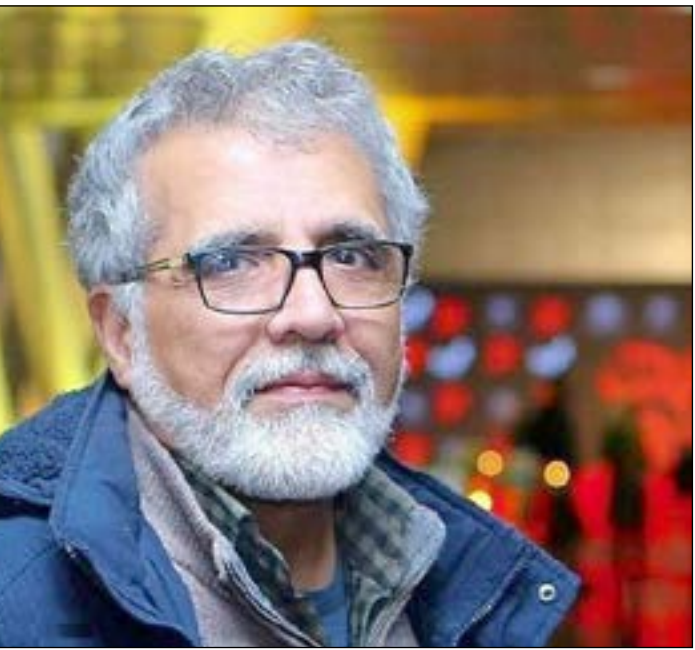
{فرهنگ و هنر }

بهرروز افخمی:

ما پنج درصد با ادعای زیاد، فکر می کنیم ۵۵ درصد مردم هستیم!

همه مردمی هستند که ما نمی‌بینیم و نمی‌شناسیم. ما خودمان پنج درصد از مردم با ادعای زیاد هستیم که فکر می‌کنیم ۵۵ درصد مردم هستیم.

مجری «نقد سینما» در ادامه درباره طرح تنوری‌هایی چون توطئه و نفوذ عنوان کرد: این حرف‌ها بیان ماروشنفکران و طبقه متوسط جریان دارد که فکر می‌کنند با فرهنگ‌تر



هستند و به دلیل پولدار بودن یا زیادتر حرف زدن تصور دارند که متفکرتر هم هستند. درحالی که اینها پنج درصد و پنج میلیون نفر از کل جمعیت ایران هستند که خود را مهم تلقی می‌کنند.

افخمی افزود: مردم واقعی مملکت، ما نیستیم ما گروهی کوچک هستیم که از «مردم» جداییم. در بین ما عده‌ای با هم مخالف و موافق می‌شوند و رو به روی هم می‌ایستیم و فکر می‌کنیم مردم به ما توجه دارند درحالی‌که این پیش فرض‌ها کلا غلط است.

وی در ادامه درباره اینکه استفاده از کلماتی مانند نفوذ یا ستون پنجم دشمن چقدر می‌تواند به نوعی «پن‌دیرفتن مسئولیت‌ها» اشاره داشته باشد؛ گفت: شما می‌خواهید بگویید مدیریت تلویزیون دچار ترس وسواسی شده چون وظایف خود را به درستی انجام نداده است؛ این حرف درست است. در هر دوره‌ای گروه جوان‌تری می‌آیند و برای اینکه می‌خواستند جای پیرترها را بگیرند، از این زاویه ورود می‌کردند که مارحرف‌های جدیدی داریم و نظریه‌هایی شبیه به توطئه و سوظن نسبت به همه و اینکه شیطان‌پرستان تلویزیون را اشغال کرده‌اند بیان می‌کردند و از این موضع ورود می‌کردند تا مسئولان کهنسال را از دور خارج کنند. این کارگردان سینما که در دهه شصت در بخش‌های مدیریتی تلویزیون هم حضور داشته است، بیان کرد: این تصور در زمان ما هم وجود داشت ما هم که جوان بودیم شاید حرف‌های را می‌زدیم که طعنه‌اش این بود که برای اسلام دل می‌سوزانیم اما می‌خواستیم لیاقت خود را نسبت به نسل گذشته نمایش دهیم. این داستان همیشگی جوانان تازه به دوران رسیده و باهوش‌تر و باعرضه‌تری است که فکر می‌کنند باید نسل گذشته را کنار بزنند و جای آنها را بگیرند.

پیرمردهایی که متمم به شیطان پرستی می‌شوند!

افخمی اظهار کرد: از طرفی نسل گذشته چون ایده‌هایش پسررفت کرده است این حرف کم و بیش دربرابر ما صدق دارد. این قانون طبیعت است و این روش‌ها برای ورود نسل‌های تازه برقرار است. به طور مثال شوهرهای تصویب فیلمنامه و طرح و برنامه تلویزیون حدود ۲۰ سال و برخی حدود ۴۰ سال است تغییر نکرده است، خب این شوراها هرچه ایده داشته‌اند در این سال‌ها ارائه کرده‌اند. حالا ممکن است عده‌ای برای برکناری این شوراها بگویند این پیرمردها غافل هستند که شیطان‌پرست‌ها به همه جا رسوخ کرده‌اند.

ستاره‌های چهارچرخ

با ماشین‌های معروف در سریال‌های تلویزیونی آشنا شویم

از پرمخاطب‌ترین سریال‌های دهه اخیر تبدیل شود.

کتابفروشی سیار

مرضیه برومند در دهه ۸۰ یک اتوبوس را شخصیت اصلی سریالش قرار داد که به «کتابفروشی هدهد» معروف شد. اتوبوس قدیمی که توسط یک جوان بازاری امیرحسین صدیق به یک کتابفروشی سیار تبدیل شده بود شاید جرقه اولیه کتابفروشی‌های سیار با همین سریال زده شد و تأثیرات این مجموعه به قدری بود که باعث شد پس از آن خیلی‌ها به این فکر بیفتند که از وسیله نقلیه هم می‌توان برای کسب و کارهایی از این دست استفاده کرد.

دوست‌داشنتی‌ترین کامیون ایرانی

یادتان هست که سفر و زندگی پشت یک کامیون را با فصل اول مجموعه «پایتخت» تجربه کردیم؟ کامیونی که به یکی از ارکان اصلی سریال تبدیل‌شده و زندگی پشت آن در جریان بود. از یختن آبیگوشت گرفته تا تولدبازی و کله‌پاچه‌خوری را در این سریال دیدیم و لذت بردیم. در فصل دوم هم با خانواده نقی از شمال تا جنوب کشور همسفر شدیم و از دیدن داستان‌هایشان کیف کردیم.

یکی از مهم‌ترین اتومبیل‌های بازارانگیز، کامیون سریال «پایتخت» است که در طول چندفصل توانست به یکی از شخصیت‌های اصلی این کار تبدیل شود. از این کامیون نارنجی که ساخته مرسدس بنز است، نمونه‌های اندکی وجود دارد و دلیل آن هم برخورداری از اتاق خواب فابریک آن است. این کامیون در کشورمان به دلیل شناخته می‌شود، از موتور معروف و جان‌بخش ۲۸۵ اسب‌بخاری مرسدس‌بنز بهره می‌برد که فقط روی نمونه‌های ۲۶۲۸ قرار داده‌شد. مایلر را باید یکی از دوست‌داشنتی‌ترین کامیون‌های قدیمی ایران دانست.

سفر مجردی با پاترول رو باز

بعضی شخصیت‌ها در کنار برخی اتومبیل‌ها تبدیل به شخصیت شده‌اند. وقتی یادی از سریال «خط قرمز» می‌کنیم، ناخودآگاه پاترول آنها در ذهنمان تداعی می‌شود. همان خودرویی که یکسری جوان ۱۸ ساله با آن به دل جاده زدند و درگیر ماجراهای خطرناکی شدند.

پراید پرماجرا

از ماندگارترین سریال‌های از این دست، مجموعه «خودرو تهران ۱۱» بود. شخصیت اصلی داستان کم پراید‌هاچ‌بک بود که در آن دوران اتومبیل لاکچری محسوب می‌شد و در هر قسمت همراه با این اتومبیل که خرید و فروش می‌شد، به زندگی آدم‌های مختلفی با ماجراهای گوناگون وارد می‌شدیم.

آژانس‌ی که ماندگار شد

اما شاید یکی از خاطر‌ه‌سازترین سریال‌هایی که ارتباط بسیار نزدیکی با ماشین داشت، «آژانس‌دوستی» بود که دهه ۷۰ روی آنتن رفت و در آن هربار راننده‌های آژانس با داستان‌ها و ماجراهایی رو به‌رو می‌شدند. زنده‌یاد حسین پناهی با بازی متفاوتش در آن سریال ماندگار شد.

رکورددار فروش در جهان

حمید با بازی نصرا..! داش در مجموعه «وزیرکار جوانی» فولکس‌واگن نارنجی داشت که همراه دوستانش ماجراهای بسیاری را با این ماشین رقم می‌زد. ضمن این که هر وقت دلش می‌گرفت یا از خواستگاری‌اش نسبت به جیران دلشکسته می‌شد، به این ماشین پناه می‌برد. مشابه این اتفاق این روزها در مجموعه «پدر پسری» هم افتاده و فولکس‌واگن نارنجی تبدیل به مکانی برای گفتن‌ها و تنهایی و اعتراف شخصیت‌های سریال شده‌است.

فولکس‌واگن «وزیرکار جوانی» از محصولات شرکت خودروسازی آلمانی فولکس و فولکس‌واگن برنده متعلق به این گروه است و هم‌اکنون بزرگترین شرکت خودروسازی جهان محسوب می‌شود. این کارخانه در سال ۱۹۳۰ به درخواست آدولف هیتلر بنا نهاده شد. او از فرزنداند پورشه تقاضا کرد، خودرویی بسازد که عموم مردم آلمان، توانایی خرید آن را داشته باشند؛ بنابراین شرکت تأسیس شده، فولکس‌واگن نامیده شد

که در زبان آلمانی به معنای خودروی مردم است. طی سال‌ها فولکس‌واگن توانسته به یکی از معتدترین خودروسازان جهان بدل شود. فولکس‌فروغ‌های همچنان یکی از رکوردداران فروش در سطح‌جهان است.

دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۹

فقط آدم‌های متوهم که همه جا دنبال علامت و رمزا می‌گردند ممکن است خیال کنند

که فیلمساز کار خیلی مهمی کرده و موفق شده مثلاً یک نماد صهیونیستی را در یک برنامه تلویزیونی یا یک فیلم داستانی بچکانند وی درباره نمادسازی‌ها در فیلم و سریال‌ها توضیح داد: البته من نمی‌گویم این نمادسازی‌ها نیست. قبول دارم عده‌ای ممکن است سراغ نماد چشم فلان انجمن یهودی هم بروند و باز ممکن است روی عده‌ای دیوانه اثراتی هم داشته باشد، باور می‌کنند و تسلیم قدرت‌شان می‌شوند و این وسط عده‌ای هم وحشت‌زده می‌شوند اما این‌ها روی مخاطب تأثیر ندارد و آن‌ها زندگی خودشان را دارند و فقط آدم‌های متوهم که همه جا دنبال علامت و رمزا می‌گردند ممکن است خیال کنند که فیلمساز کار خیلی مهمی کرده و موفق شده مثلاً یک نماد صهیونیستی را در یک برنامه تلویزیونی یا یک فیلم داستانی بچکانند.

باید از آنها پرسید که پرسید خب که چی؟

افخمی تصریح کرد: دلپیش هم این است که ماهیت رسانه چیزی غیر از سرگرمی سازی نیست رسانه نمی‌تواند عمیق باشد اما ما که در رسانه کار می‌کنیم دوست داریم چشم خیال کنیم که کارمان بسیار مهم است و دست به بازتولید دوقطبی‌های عجیب می‌زنیم.

این سینماگر که پیش از نظریات او درباره جشنواره‌های خارجی و رویکردهای سیاسی آن‌ها بازبات‌های فراوانی داشته درباره نسبت دیدگاه‌های قبلی خود به‌خصوص درباره جشنواره «کن» با آنچه امروز درباره بی‌اهمیت بودن رسانه و محصولات نمایشی می‌گوید، توضیح داد: ممکن است به نظر برسد که تضاد دارد اما توضیحش این است

که مدیر جشنواره کن نقشه‌ای می‌کشد و فکر می‌کند پروتکلی را پیش می‌برد اما معنایش این نیست که لزوماً موفق است و می‌تواند از طریق فیلم عقاید مردم را عوض کند. در این میان فیلمسازی که قبول می‌کند وارد این دایره توطئه شود و به توصیه‌ها و دستورات و پروتکل‌ها توجه کرده و در فیلمش آن‌ها را رعایت می‌کند به مردم و کنترولش خیانت کرده است حتی اگر این خیانت منشا هیچ اثری نباشد.

افخمی: «یک خانواده محترم» مصداق نفوذ در صداوسیما بود، اما تأثیری نداشت

وی اضافه کرد: نتیجه این خیانت ممکن است به جایی نرسد اما آن فیلمساز خیانت کرده است و باید خجالت بکشد که در جشنواره‌ای فیلم می‌سازد که از او خواسته است تغییراتی در فیلمش بدهد که سیاه‌نمایی کرده باشد. البته آن فیلم‌های سیاه‌نا که به سفارش کن ساخته می‌شد تأثیری روی مردم نداشت و جذاب هم نبود. این‌ها ساخته می‌شد که در جشنواره‌های خارجی جایزه بگیرد چه بسا مورد تأیید وزارت امور خارجه هم بود. آن‌ها خیلی خوششان می‌آمد که این جوایز را برنده شویم. با این حال فیلمسازی که به تولید ایده‌ای ضد ایرانی که برای یک جشنواره سفارش داده شده عمل کرده است به نحوی پیش خدمتی و نوکری کرده است اما اینکه فیلمش تأثیری گذاشته باشد نه این را قبول ندارم. این فیلم‌ها تحسین شده‌اند، جایزه برده‌اند برخی‌شان فروش میلیونی هم داشته‌اند و خیلی‌ها آن‌ها را دیده‌اند اما مردم نه تأثیری گرفته‌اند و نه چیزی یاد گرفته‌اند.

افخمی در پاسخ به این سوال که چقدر همین اتفاق که به زعم وی در جشنواره‌های خارجی رخ می‌دهد ممکن است در تلویزیون نیز اتفاق بیفتد و آیا این همان مصداق «نفوذ» نمی‌تواند تلقی شود بیان کرد: بله این اتفاق رخ داده است و فیلم‌هایی مثل «یک خانواده محترم» که با سرمایه سیما فیلم در بدنه صداوسیما ساخته شد، محصول همین نگاه است اما باز هم می‌گویم تأثیری روی مخاطب نداشته است.

وی تأکید کرد: نفوذ زمانی معنادار می‌شود که روی مخاطب تأثیر داشته باشد. فیلم و سریال و برنامه‌ای که با نگاه حتی یک شخص خائن ساخته می‌شود و افراد حزب اللهی هم باور کرده‌اند که او نفوذ کرده اثر تأثیری بر مخاطب نداشته باشد هر دو طرف دچار نوعی نگاه کمدی و از جنس توهم شده‌اند! این مساله را هم نباید فراموش کرد که طبیعتاً هر فیلمی نگاه فیلمساز را منعکس می‌کند و این مساله با توطئه و نفوذ خیلی فرق دارد. اینکه فیلمساز بنخواه یا بر پتو کنایه‌ای را به مدیران صداوسیما و کشور کند با ترویج یک جهان بی‌شده، باید یکاپوت را عوض می‌کردیم. در بعضی از سریال‌ها هم با مدیریتی تلویزیون در مواردی اشتباه کرده که کارگردانانی را به کار گرفته که جهان‌بینی آن‌ها در راستای تحقیر مردم بوده است، چون این اهمیت دارد که جهان‌بینی نباید ضدملی و با نگاه مسخره کردن یا بی‌ارزش تلقی کردن باشد هرچند ممکن است مدیران برای همین موضوع هم پاسخ ندانن شکن داشته باشند!

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●

●●●●●